

---

**An Analysis on the Development Capabilities of the Cities of Kurdistan Province with Emphasis on National Convergence<sup>1</sup>**

**Mohammad Raouf Heidarifar<sup>1</sup>, Rahmatollah bahrami<sup>2</sup>, Fridon Batmani<sup>3\*</sup>**

<sup>1</sup> Associate Professor of Political Geography, Payamnoor, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

<sup>3</sup> MA student of political geography, Payame Noor University, Ravansar, Iran

---

**Received Date:** 27 September 2021 **Accepted Date:** 22 December 2021

---

**Abstract**

Kurdistan province in west of Iran, has a major border with Iraq, it can be considered as a strong potential for development of commercial activities, especially in border cities. In this regard, development and its crucial facilities in the border cities of Kurdistan can play an important and vital role in establishing relations with neighboring countries and can also accelerate the pace of national convergence. The aim of this study, is to investigate and analyze the development capabilities of cities in Kurdistan province with emphasis on national convergence. In the term of aims applied method and in the term of gathering and interpreting the descriptive-analytical method is used. In the process of preparing and producing data, first the effective factors on the development of Kurdistan province with emphasis on national convergence indicators are identified, using Delphi method and 45 experts' ideas. In order to test the hypothesis, structural modeling and path analysis are utilized. The results showed that there is an effective relationship between the occurrence of development and its effect on national convergence with 0.48 coefficient path, which means that the components and criteria of development explain 0.48% of the success of the development strategy. On the other hand, there is a strong casual relationship between human development indicators (with 0.91 coefficient of path) and the occurrence of development, which means human development indicators determine development, but there is no causal relationship between occurrence of political development factors (with a path coefficient) and success of the development in the cities of Kurdistan province. and it means that the factors of political development, due to the effect that it has on the occurrence of the development of the cities of Kurdistan province, can be a determining factor in the success of the development of the cities of Kurdistan province. In general, it can be said that the development of the cities affects the criteria of national convergence.

---

**Keywords:** City, Development, Convergence, National Convergence, Structural Modeling, Kurdistan Province.

---

<sup>1</sup> This article is extracted from MA dissertation entitled **Analysis of the Development Capabilities of the Cities of Kurdistan Province with Emphasis on National Convergence** of the third author's with the Supervisor of the first author and the Advisor of the second author, Payame Noor University of Ravansar.

\* **Corresponding Author:** batmanif.fb@gmail.com

**Cite this article:** Heidarifar, M., Bahrami, R., Batmani, F. (2021). An analysis on the development capabilities of the cities of Kurdistan province with emphasis on national convergence. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(3), 66-82.

## تحلیلی بر توان‌های توسعه شهرستان‌های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی<sup>۱</sup>

محمد رئوف حیدری فر<sup>۱</sup>، رحمت الله بهرامی<sup>۲</sup>، فریدون باتمانی<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام‌نور، روانسر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

### چکیده

استان کردستان در غرب ایران با دارا بودن مرز مشترک با کشور عراق، پتانسیل‌های قوی و بالقوه‌ای جهت توسعه بازرگانی، به خصوص در شهرهای مرزی را دارا است. در این راستا توسعه و وجود منابع و امکانات در شهرستان‌های استان کردستان به‌عنوان شهرهای مرزی می‌تواند نقش مهم و حیاتی در برقراری ارتباط با کشورهای همسایه‌ی خود داشته‌باشد و هم می‌تواند آهنگ همگرایی ملی را تسریع کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیلی بر توان‌های توسعه شهرستان‌های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی بود و از نظر هدف‌گذاری کاربردی و از نظر روش‌شناسی به صورت توصیفی-تحلیلی است. در روند تهیه و تولید داده‌ها ابتدا عوامل مؤثر بر توسعه استان کردستان با تاکید بر شاخص‌های همگرایی ملی، با استفاده از نظرات ۴۵ نفر از کارشناسان از طریق روش دلفی شناسایی شده‌است برای آزمون فرضیه از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین تحقق توسعه یافتگی و اثرگذاری آن بر روی همگرایی ملی با ضریب مسیر ۰,۴۸ رابطه مؤثری وجود دارد بدین معنی مؤلفه‌ها و معیارهای توسعه یافتگی ۰,۴۸ درصد موفقیت استراتژی توسعه یافتگی را تبیین می‌کند. از طرف دیگر بین (شاخص‌های توسعه انسانی با ضریب مسیر ۰,۹۱) با تحقق توسعه یافتگی رابطه علی قوی وجود دارد یعنی دسترسی به شاخص‌های توسعه انسانی تعیین کننده توسعه یافتگی می‌باشد، ولی بین عوامل دسترسی توسعه سیاسی (با ضریب مسیر ۰,۲۱-) با موفقیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان رابطه علی وجود ندارد و این بدین معنی است که عوامل دسترسی توسعه سیاسی به واسطه تأثیری که بر تحقق توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان می‌گذارد می‌تواند عاملی تعیین کننده در موفقیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان تلقی گردد. در مجموع چنین می‌توان گفت که توسعه یافتگی شهرستان‌ها بر معیارهای همگرایی ملی اثرگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** شهر، توسعه یافتگی، همگرایی، همگرایی ملی، مدل‌سازی ساختاری، استان کردستان.

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم تحت عنوان تحلیلی بر توان‌های توسعه شهرستان‌های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی است. به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم دانشگاه پیام‌نور روانسر است.

\* نویسنده مسئول: batmanif.fb@gmail.com

ارجاع به این مقاله: حیدری فر، محمد رئوف، بهرامی، رحمت الله، باتمانی، فریدون. (۱۴۰۰). تحلیلی بر توان‌های توسعه شهرستان‌های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۳)، ۶۶-۸۲.

## مقدمه و بیان مسأله

امروزه مشکلات و مسائل زیادی در رابطه با عدالت اجتماعی و عدم برابری‌های اجتماعی بین کشورها و شهرهای مختلف جهان وجود دارد. رشد سریع و نامتقارن شهرها و نبود برنامه ریزی دقیق بین مناطق محروم و غیر محروم از لحاظ امکانات باعث شکاف منطقه‌ای را در سطح کلان موجب شده‌اند. وجود نابرابری‌ها سبب شده است شکاف توسعه بین نواحی توسعه‌یافته و مناطق محروم روز به روز بیشتر شود و عدالت اجتماعی و اقتصادی مفهوم خود را از دست بدهد. همچنین باعث محرومیت بیشتر مناطق محروم و برخوردارشدن بیشتر مناطق مرکزی از لحاظ خدمات و امکانات شده‌است. که این روند باعث عدم توسعه و پیشرفت کشورهای جهان سوم شده‌است (بهرامی پایه، ۱۳۹۷: ۴۸۰).

بنابراین می‌توان بیان کرد، مفهوم توسعه مفهومی قدیمی می‌باشد. که با انسان متولد و همراه با انسان به رشد و تکامل رسیده‌است و از او جدایی‌ناپذیر می‌باشد و به دلیل افزایش جمعیت شهرنشینی که از اساسی‌ترین جنبه‌های تغییر جهانی است رشد و توسعه گسترده خود را فراهم آورده است (Liu et al, 2007: 21, Qadeer, 2004: 29). آنچه که در توسعه باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم بحث توسعه یافتگی می‌باشد. روند توسعه‌یافتگی در جهان دارای سلسله مراتبی مختلفی می‌باشد و حتی در داخل یک کشور این روند بین استان‌ها و در مرتبه بعد بین شهرستان‌های همان استان متعادل نیست (فتاحی و طیب‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۸)، به دلیل توزیع نامتعادل و ناهمگون منابع و عوامل اجتماعی و اقتصادی بین استان‌های کشور و عدم تعریف مشخص و دقیق از نظام برنامه ریزی و عدم جایگاه دقیق و مشخص آمایش سرزمین و اهمیت آن در برقراری عدالت فضایی باعث بروز نابسامانی‌های ناحیه‌ای و عدم توسعه یکپارچه در سطح نواحی شده است. که امروزه برای ارائه بهتر طرح‌ها و برنامه‌ها باید از نقاط ضعف و قوت آگاهی کامل داشته باشیم (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴).

به طوری که می‌توان بیان کرد. امروزه این نابرابری به عنوان پدیده مهم و فراگیر روز به روز گسترش یافته و قابل مشاهده می‌باشد. که از نشانه‌های مهم و اساسی توسعه عدم نابرابری بین ابعاد مختلف توسعه است. بنابراین می‌توان گفت؛ با توجه به اینکه توسعه همراه با برقراری عدالت اجتماعی از اهداف توسعه می‌باشد. نبود تعادل در بین مناطق باعث به وجود آمدن شکاف شدید و عدم برابری منطقه‌ای می‌شود که مانع از برقراری توسعه متعادل بین این مناطق می‌شود (کاوایی راد و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲).

یکی از مباحث مهم و اساسی که در توسعه‌یافتگی یا توسعه نیافتگی شهرها تأثیر می‌گذارد بحث همگرایی ملی می‌باشد. همگرایی ملی فرایند و سازوکاری است که قسمت‌ها و بخش‌های مختلف یک جامعه را به درون یک کلیت وارد می‌کند (قیصری و حسینی ۱۳۹۲: ۷۶). و دارای مفهومی دوسویه است که بر تمایزات و اشتراکات توأمان دلالت دارد. از یک سو با تأکید بر اشتراکات، افراد گرد آمده در فضای سرزمینی را به عنوان واحدی متحد و به هم وابسته می‌سازد و از سوی دیگر آنان را از یکدیگر باز می‌شناساند (محمدرحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸) و بسیاری از نظریه‌پردازان و در پیوند با آنان محققان کثیری در این دوره به مطالعه و پژوهش راجع به موضوع همگرایی و واگرایی و مناقشات برآمده از تنازعات قومی در کشورهای غربی، پرداخته‌اند (Drake, 2019, Nordin at ah, 2018: 22).

همگرایی و انسجام ملی و پرهیز از ایجاد واگرایی یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت‌ها برای بهره‌مندی حداکثری از منابع کشور و ممانعت از ایجاد فرصت برای بیگانگان جهت نفوذ و تاراج این منابع است. این موضوع از این منظر اهمیت مضاعف دارد که بدون انسجام ملی و بهره‌وری به عنوان کلیدواژه اصلی بهره‌مندی صحیح از منابع جهت ایجاد امکان رقابت با سایر کشورها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم نخواهد شد (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۵).

در همین راستا؛ می‌توان گفت توسعه و همگرایی ملی دو مفهوم مکمل همدیگرند به طوری که دستیابی به یکی بدون دیگری غیر ممکن می‌باشد و اینکه نقش توسعه در برخورداری از همگرایی پررنگ‌تر و مهم‌تر می‌باشد و این پیوستگی و وابستگی در سطوح و سلسله مراتب منطقه‌ای، ملی و محلی مصداق پیدا می‌کند. خوشبختانه امروزه اینکه

بهترین راهبرد همگرایی ملی، راهبرد تضمین‌کننده توسعه است به یک باور عمومی تبدیل شده است (تاجبخش، ۱۳۸۷).

استان کردستان در غرب ایران با دارابودن مرز مشترک با کشور عراق، پتانسیل های قوی و بالقوه ایی جهت توسعه بازرگانی، به خصوص در شهرهای مرزی را دارا است. در این راستا در این شهرستان‌ها توسعه خدمات و امکانات می‌تواند در تقویت و رابطه بین کشورهای مرزی و همسایه‌های آن نقش مهم و اساسی داشته باشد و باعث تسریع بیشتر توسعه در این استان می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳). و باعث انسجام و همگرایی ملی گردد. همچنین این استان، قابلیت توانایی به قطب تجاری مهم و دروازه کالایهای ضروری و وارداتی به کشور عراق را با توجه به موقعیت استراتژیک خود دارد.

لذا با توجه به شرایط خاص آن از لحاظ موقعیت جغرافیایی و حتی سیاسی به لحاظ واقع شدن آن در مجاورت با کشور عراق و لزوم توجه همه جانبه به مسایل مختلف آن این توانایی و قابلیت را دارد که باعث شکوفایی و رشد و توسعه اقتصادی شهرستان‌های استان و حتی استان‌های مجاور را فراهم آورد. لذا پژوهش حاضر به بررسی شاخص‌های توسعه‌یافتگی با تأکید بر همگرایی ملی پرداخته است و در نهایت به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان تا چه اندازه‌هایی در همگرایی ملی تأثیر داشته است؟

## مبانی نظری

مفهوم توسعه و توسعه یافتگی تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شده است (Kirk, 2001: 71) در ابتدا به معنای نرخ رشد اقتصادی قلمداد می‌شد؛ اما بعدها به مفهوم کاهش یا از میان بردن فقر، بیکاری، نابرابری های اجتماعی و تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی گرایش پیدا کرد (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶).

در جهان کنونی، توسعه همه جانبه با سرعتی بسیار شدید در حال گسترش است و گستره عظیم بشری را در تمام نقاط عالم تحت تأثیر خود داده‌است. عقب ماندن از آن به معنای دور ماندن از علم و فرهنگ و تجربه‌های جهانی و زیستن در عصری عقب‌تر از کشورهای دیگر و جهان پر تغییر است. تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود که حدود ۶۵ درصد جمعیت جهان، در نواحی و مناطق شهری زندگی کنند (Kaya & Curran, 2006: 19).

واژه‌ی توسعه از نظر لغوی، به معنای پیشرفت، ترقی و بهبود است و می‌توان آن‌را تغییر همراه با پیشرفت دانست. همچنین می‌توان گفت، توسعه مفهومی کیفی است و به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه هدف یا شرط را محقق سازد:



شکل ۱: اهداف توسعه از دیدگاه رویکرد کیفی (منبع: سپهر دوست، ۱۳۸۸: ۷۰).

### هدف برنامه‌ریزی منطقه‌ای (توسعه متوازن و متعادل)

تعادل منطقه‌ای از دیدگاه آمایش سرزمین و توسعه فضایی منطقه‌ای، به این معنا است که ارتباط بین جایگاه و وزن سکونتگاه‌ها در سطح یک منطقه به صورتی باشد که در مراکز از نظر توزیع منابع و اندازه جمعیت، شکاف عمیق و نابرابری شدید (مانند وضعیت تقدم و تسلط تک شهری یا چند شهری) وجود نداشته باشد.

براین اساس هر چقدر نابرابری در توزیع جمعیت و منابع سکونتگاه‌های یک منطقه در مقایسه با سایر مناطق، کمتر باشد، آن منطقه به وضعیت تعادل نزدیک‌تر است و یا به لحاظ فضایی توسعه یافته‌تر محسوب می‌شود. عدم تعادل منطقه‌ای و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و ایران است. ضرورت و اهمیت توسعه‌ی متوازن و تعادل منطقه‌ای را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرد.

- **بعد اقتصادی:** تمرکز صنایع در یک یا چند منطقه موجب استفاده‌ی بیش از ظرفیت امکانات آن منطقه و از سویی بلا استفاده ماندن پتانسیل‌های مناطق دیگر می‌شود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱).
- **بعد اجتماعی:** از دیدگاه اجتماعی، مهم‌ترین پیامد اجتماعی گریزناپذیر عدم تعادل‌های ناحیه‌ای، مهاجرت‌های غیر طبیعی با نرخ‌های بالا از نواحی محرم به متروپل‌ها و نواحی برخوردار هست. نتیجه این امر رشد سریع در یک یا چند منطقه و بروز پدیده حاشیه‌نشینی و گسترش ناهنجاری‌های شهری در این مناطق است. (امان‌اله‌پور، ۱۳۹۵: ۳۶).
- **بعد سیاسی:** از مظاهر ساختار محور- حاشیه شکل‌گیری روح حاشیه‌گرایی است که به عنوان واکنش عاطفی فرهنگی بر ضد انتشار سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی محور تعریف می‌شود (سلیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۶۵).

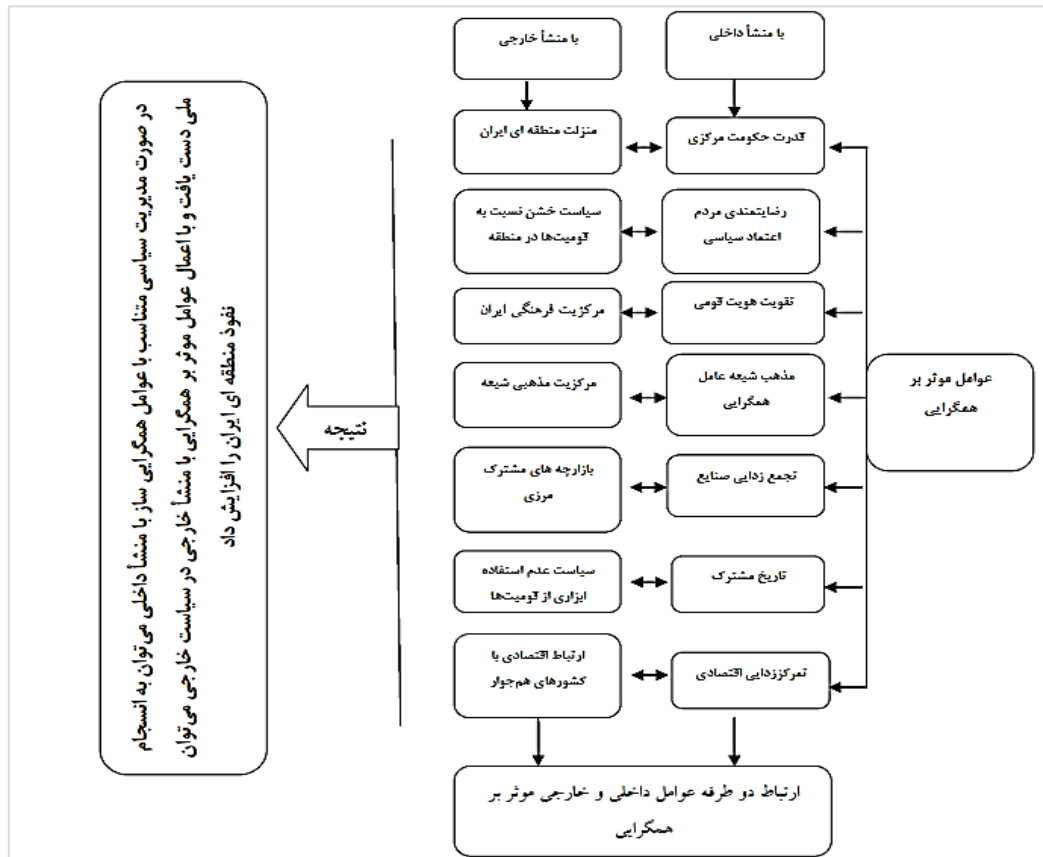
### مفاهیم همگرایی و واگرایی

انسان همواره نیازمند به ارتباط و وابستگی می‌باشد، بدون برقراری پیوند و ارتباط متقابل انسان‌ها نخواهند توانست نیازهای خود را برطرف سازند. ایجاد و برقراری رابطه، لازمه رفع احتیاج خواهد بود، در همگرایی و پیوستن به یکدیگر است که می‌توان به سطح توسعه یافتگی و برطرف کردن نیازها و احتیاجات رسید. همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد کشورها و بازیگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقاء و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی کشورها و بازیگران و مردم نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی است. به عبارتی دیگر فردی که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی نسبت به دولت مرکزی می‌دهد به این می‌اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود، واگرایی در برابر آن، عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن‌ها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳).

### عوامل و زمینه‌های همگرایی

- شکل‌گیری فرآیند همگرایی و پدیدارشدن یک گروه‌بندی و تشکل بین‌المللی و منطقه‌ای، نیازمند وجود زمینه‌ها و عوامل خاصی است که عمده آنها به شرح زیر است:
- ۱- ویژگی‌های مشترک فرهنگی - تاریخی: مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد و قومیت، خاندان و آداب و رسوم مشترک.
  - ۲- وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحدهای جغرافیایی متمایز و یکپارچه: نظیر شبه جزیره، خلیج، فلات قاره، دریا، شبه قاره و... مانند اتحادیه پاسیفیک - نفتا - وحدت آفریقا.

- ۳- تهدید مشترک: اعم از امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره.
- ۴- علایق، منافع و نقش مشترک: مانند گروه هشت، بازار مشترک اروپا، اوپک و غیره.
- ۵- نیازها و وابستگی های متقابل در زمینه های مختلف: مانند آ.سه.آن واکو و غیره.
- ۶- قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تأسیس و رهبری همگرایی را به عهده می گیرند: مانند کشورهای استعمارگر، قدرتهای جهانی و منطقه ای (کشورهای مشترک المنافع انگلیس CIS)
- ۷- روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها: مانند فدراسیون امارات متحده عربی.
- ۸- وابستگی های تمدنی: مانند تمدن اسلامی، اروپایی، اسلاوی و غیره (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲).



شکل ۲. مدل عوامل موثر بر همگرایی ملی با منشأ داخلی و خارجی

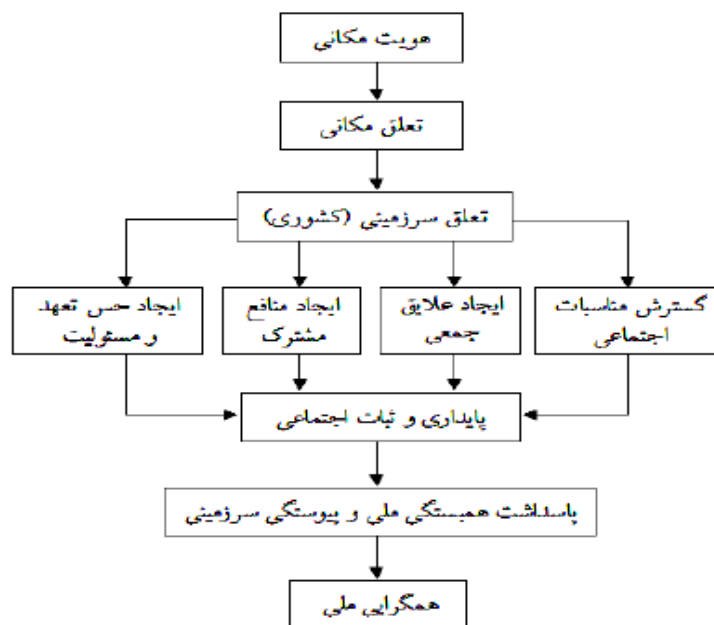
### نمادهای مکانی و همگرایی ملی

مکان به عنوان ارزش محسوس، کانون علم جغرافیاست و بخشی از فضا یا سطح به شمار می رود که توسط انسان یا چیزی اشغال شده و این اسکان و استقرار به آن مکان بار معنایی و کارکردی بخشیده است. مناسبات اجتماعی اساس تعریف مکان است. مکان نظامی باز و پذیر است که تعیین خود را در درون فرایندهای اجتماعی می جوید و هویت آن طی تاریخ، پیوسته و باز تعریف می شود (کاوایانی راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۲۹).

هویت هر مکان ویژه همان مکان است و مکان در خلق هویت فردی و گروهی انسان ها کارکرد برجسته ای داشته است. انسان هایی که در قالب گروه ها نواحی را اشغال می کنند، به خلق چشم اندازهای مادی و نمادینی گرایش دارند که نواحی را مستعد محدوده بندی می کند (Norton, 2017: 18).

مؤلفه‌هایی مانند همگونی فرهنگی، قانون اساسی، پیوستگی سرزمینی، مشروعیت و پذیرش مردمی، آرمان‌ها و سنت‌های مشترک و غیره از مهم‌ترین تنش‌های دست‌یابیه همگرایی و هم‌بستگی ملی هستند.

نماد ابزار یا نشانه‌ای است که نشان‌دهنده‌ی اندیشه، شیء و مفهومی است که در میان صورت و مفهوم آن شباهت عینی و رابطه‌ای همجواری وجود ندارد؛ بلکه رابطه‌ای از نوع قرار دادی است نه ذاتی (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۲۰۲). کار ویژه‌ی اصلی نمادها، القای روحیه‌ی خاص تعلق و هم‌بستگی است و پیدایش نمادها با تجربیات و سازمایه‌های عینی و فرهنگی با نمودهای کنونی و آزمودهای گذشته‌ی مکان ارتباط ژرفی دارد. اوضاع اجتماعی و جغرافیایی جوامع، در پیدایش نمادها کارکرد اصلی داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که بر پایه‌ی نمادها می‌توان پیشینه وضعیت جوامع را بازشناخت. عناصری که عموماً از جذابیت و قلمرو نفوذ گسترده‌تری برخوردارند، می‌توانند به‌عنوان نماد مکان، معیار کسب هویت و نمادسازی ملی قرار گیرند، گاه این عوامل در پرچم و سرود ملی کشورها نیز بازتاب می‌یابند. حکومت‌ها کوشیده‌اند با بهره‌گیری از انواع رسانه‌ها و سازوکارهای اداری- اجرایی، نمادهای مکانی فراگیرتر را در جستار همگرایی ملی تقویت و عملیاتی کنند. براساس این نمادپردازی ملی در قالب به‌کارگیری، پردازش و تبدیل ارزش‌های مکانی به نمودهای تقویت‌کننده‌ی همگرایی ملی است (کاوایی و فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۱). در شکل (۳) فرایند تاثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی را نشان داده‌است.



شکل ۳. فرایند تاثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی (منبع: کاوایی و فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۱).

### ارتباط توسعه و همگرایی

اگرچه پیوند دو مفهوم توسعه و همگرایی در همه مناطق قالب بررسی است، اهمیت این پیوند در مناطق مرزی بیشتر و مستحکم‌تر است، چراکه مناطق مرزی به دلیل موقعیت حاشیه‌ای بیشتر آسیب‌پذیرند. جونز و وایلد (۱۹۹۴).

مناطق مرزی را مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته می‌دانند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌کند. آنان معتقدند با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل هستند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن علت عقب‌ماندگی این نواحی است؛ بنابراین، توجه

به مناطق مرزی و توسعه این مناطق، اولویت و اهمیت بیشتری پیدا می کند و بی توجهی به این مناطق و توسعه آنها، حاکم شدن سیستم مرکزپیرامون را در پی خواهد داشت. از جمله پیامدهای این موضوع میتوان به پیدایش حفره های امنیتی، تشدید روند مهاجرت مرزنشینان، تخلیه مناطق مرزی و سکونتگاه های مرزی اشاره کرد (بهرامی پناه، ۱۳۹۷: ۴۸۰).

یکی دیگر از مواردی که در توسعه و همگرایی می توان تأثیرگذار باشد توسعه متوازن است، که در مواردی دیده شده است که دو واژه رشد اقتصادی و توسعه به شکل غیر دقیق به جای یکدیگر استفاده می شوند. در حالی که رشد اقتصادی به جنبه های انسانی، اجتماعی و به جنبه های سیاسی پیشرفت جوامع بشری بی اعتنا است، اما هر زمان که از توسعه سخن گفته می شود منظور یک رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی متوازن است که هم جنبه های عدالت اجتماعی را در نظر می گیرد و هم از جنبه های سیاسی همواره نگاهی به دموکراتیزه کردن جوامع بشری دارد. برای دستیابی به توسعه متوازن، استراتژی های مختلفی در جهان به کار گرفته شده است که مهم ترین و مؤثرترین این استراتژی ها می توان به استراتژی توسعه منطقه ای به عنوان یکی از آخرین دستاوردهای جامعه علمی، برای دستیابی به توسعه و تعادل منطقه ای نام برد. این استراتژی به منظور از بین بردن اختلافات ساختاری منطقه ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح شده و به عنوان ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می شود (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲). در جدول ۱ به بررسی اهداف استراتژی توسعه پرداخته شده است که بر همگرایی ملی تأثیر گذار بوده اند.

#### جدول (۲) اهداف استراتژی توسعه تأثیر گذار بر همگرایی ملی

اهداف استراتژی توسعه
تحقق توسعه پایدار
ایجاد تعادل منطقه ای
ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص.
ایجاد مناطقی پایدار، پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی
تقویت رقابت اقتصادی منطقه ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی
محافظت و ارتقای سرمایه فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه
ارتقای مسکن، حمل و نقل و کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها و غیره

منبع: ایژوشی، ۲۰۱۴: ۲۱.

هم گرایی و انسجام ملی و پرهیز از ایجاد واگرایی یکی از مهم ترین کارکردهای دولت ها برای بهره مندی حداکثری از منابع کشور و ممانعت از ایجاد فرصت برای بیگانگان جهت نفوذ و تاراج این منابع است. این موضوع از این منظر اهمیت مضاعف دارد که بدون انسجام ملی و بهره وری به عنوان کلید واژه اصلی بهره مندی صحیح از منابع جهت ایجاد امکان رقابت با سایر کشورها و بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای فراهم نخواهد شد (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۵). همچنین همگرایی ملی که یکی از عوامل پایداری نظام های سیاسی و اجتماعی و یکی از اهداف و حوزه های اصلی جامعه پذیری سیاسی در همه ی نظام های سیاسی است که نقش اساسی در ثبات حاکمیت و هم چنین توسعه و پیشرفت ملت ها در فضای کشور خود و حتی فراتر از آن در محیط بین المللی را دارد (محمد رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

#### نظریه ها و دیدگاه ها توسعه و همگرایی

نظریات و دیدگاه های پژوهش حاضر را به دو دسته توسعه و همگرایی ملی تقسیم شده اند که بصورت خلاصه به این نظریات پرداخته شده است.

### الف. نظریه‌های توسعه و توسعه یافتگی

- نظریه‌های توسعه منطقه‌ای در دو دسته کلی قابل طبقه‌بندی هستند.
- دسته اول: نظریاتی است بر پایه تقسیم فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی به بخش‌های عملکردی و تکیه بر برنامه‌ریزی بخشی برای توسعه منطقه‌ای قابل تفکیک است.
  - دسته دوم: نظریاتی است که بر پایه تقدم قلمروی فضایی انسان‌ها و فعالیت‌ها و یکپارچگی آن‌ها در محیط، به برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه منطقه‌ای متکی هستند.

### ب. نظریه‌های همگرایی

در روابط بین‌الملل، نظریه‌های گوناگونی به مبحث همگرایی پرداخته‌اند که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

#### الف) کارکردگرایی

کارکردگرایی خود را در طیف متفکران واقع‌گرا جای داده است و با تاکید بر روی رفتار دوستانه و همکاری بین‌المللی، جنبه‌های تخصص و رقابت‌های اختلاف‌انگیز را کنار می‌گذارند. آن‌ها به روابط بین‌الملل از دیدگاه سیاست همکاری نگاه می‌کنند و عقل و خرد را محور اصلی کار خویش قرار می‌دهند. کارکردگرایان با این شیوه منتظر روزی هستند که زنجیره‌های همکاری ایجاد شده بین تاسیسات و ملت‌ها از فراسوی مرزهای سیاسی به هم متصل شده و زمینه اتحاد و همبستگی دولت‌های ملی فراهم آید. آن‌ها همچنین مدعی هستند که اگر بتوان همکاری را در فراسوی مسائل سیاسی تبیین کرد، امکان گرایش به سمت یک نوع همگرایی فراهم می‌شود (عباسی و علیمردانی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

#### ب) نظریه ارتباطات

کارل دوویچ، بیش از سایر نویسندگان معطوف به همگرایی، به استفاده از مفهوم ارتباطات پرداخته است. دوویچ در رابطه با مفهوم ارتباطات بیان می‌کند: ارتباطات به تنهایی یک گروه را قادر می‌سازد که با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. کل جامعه شناسی نیاز به این دارد که ارتباطات درک شود، ارتباطات در میان مردم ممکن است دوستی یا خصومت به وجود آورد (محمدی، ۱۳۷۰: ۶۱).

نقطه عزیمت نظریه دوویچ این است که شاخصه همه اجتماعات میان اشخاص، وجود حجم چشمگیری از مبادلات میان آن هاست (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۴۱) بنابراین مهمترین مسأله که کارلدوویچ در رابطه با همگرایی مطرح می‌کند ارتباطات است که نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی میکند و علاوه بر ارتباطات اجتماعی، تبادلات اقتصادی نیز مردم را به هم پیوند می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۴۱).

#### پ) نظریه نو کارکردگرایی

نظریه نوکارکردگرایی مولود فکری نظریه کارکردگرایی است. نوکارکردگرایی عمدتاً به بسط، اصلاح و آزمایش فرضیه‌های مربوط به همگرایی پرداخته است. نوکارکردگرایان توجه و فکر خود را به مسائل اقتصادی معطوف کردند. از نظر هاس، همکاری در حوزه سیاست ملایم آغاز میشود، اما او برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً از هم جدا نمی‌گیرد و به اهمیت مسائل اقتصادی اذعان دارد.

یکی از مفاهیم مورد استفاده هاس، «سرایت» یا سرریزی است فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته اند. در نتیجه، هر اقدامی برای همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر میشود و همکاری از یک بخش به بخش‌های دیگر سرایت می‌کند. بنابراین نوعی منطق گسترش یابنده وجود داشت

که به تسری یا پیشروی از بخشی به بخش دیگر کمک میکرد و ملتها به وسیله این فرآیند منافع ملی خویش را در یک محیط همگرایی وسیع تر ارتقا می بخشند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۶۷۶).

### پیشینه ی پژوهش

جدول (۱). پیشینه های پژوهش

پژوهشگر (موضوع، سال)	موضوع	نتیجه گیری
محمد رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)	بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران، قوم ترکمن	نتایج پژوهش آن ها شان داد چالش های هویتی، معیشتی و نهادی تأثیر منفی و معناداری بر همگرایی ملی اقوام دارد. همچنین بین چالش های هویتی با چالش های معیشتی، و چالش های معیشتی با چالش های نهادی تأثیر مثبت و معناداری یافت شد
کاویانی راد و همکاران (۱۳۹۹)	سنجش سطوح توسعه- یافتگی شهرستان های استان کردستان و ارتباط آن با مخاطرات انسانی	یافته ها نشان داد به ترتیب شهرستان های کامیاران (۱)، سنندج (۰/۲۱۱)، دهگلان (۰/۲۲۱)، بیجار (۰/۲۵۴۹)، دیواندره (۰/۳۴۲۵)، قروه (۰/۳۴۸۳)، مریوان (۰/۳۶۷۱)، سروآباد (۰/۴۸۶۰)، سقز (۰/۶۱۵۲)، بانه (۰/۹۰۶۰) به ترتیب رتبه- های ۱ تا ۱۰ را از لحاظ توسعه یافتگی به خود اختصاص دادند.
جعفری (۱۳۹۸)	تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی در مناطق مرزی	نتایج پژوهش وی نشان داد پنج شاخص توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری در زیرساخت ها، سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری عمرانی دولت، توسعه انسانی بیش از ۶۰ درصد به عنوان عامل قوت همگرایی ملی و بیش از ۷۰ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی تأثیر دارد. سه شاخص بیکاری جوانان، فساد اقتصادی در جامعه و شکاف طبقاتی یا توزیع نامناسب منابع به عنوان عامل ضعف مطرح هستند. نتایج آزمون اختلاف میانگین نیز نشان می دهد که تقویت ۵ شاخص اول تا حد زیادی منجر به افزایش همگرایی و انسجام ملی در مناطق مرزی خواهد شد و تقویت سه شاخص بعدی نتیجه عکس به دنبال خواهد داشت.
طیپ نیا و فتاحی (۱۳۹۸)	بررسی و تحلیل و سطح بندی شهرستان- های استان کرمانشاه از نظر توسعه یافتگی	نتایج نشان داد که از نظر شاخص های توسعه بین شهرستان های استان تفاوت و اختلاف وجود دارد و نتیجه به کارگیری مدل تاکسونومی، شهرستان ها را در ۵ سطح بسیار برخوردار تا بسیار محروم قرار داده که در سه سطح اول هیچ شهرستانی جای نگرفته و شهرستان های صحنه، کنگاور، پاوه و قصرشیرین در سطح محروم و شهرستان های سنقر، هرسین، کرمانشاه، دالاهو، گیلانغرب، اسلام آباد غرب، روانسر، جوانرود، سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی در سطح بسیار محروم قرار گرفته اند. همچنین نتایج نشان می دهد که ۲۸/۵ درصد شهرستان ها در سطح محروم و ۷۱/۵ درصد شهرستان ها در سطح بسیار محروم قرار گرفته اند.
بهرامی پاوه (۱۳۹۷)	بررسی و تحلیل روند پارادایم توسعه یافتگی و تأثیر آن بر همگرایی ملی در ایران.	نتایج پژوهش وی نشان داد که ارتباط مستقیمی بین توسعه یافتگی با تفاوت فرهنگی در ایران وجود دارد. نگرش های توسعه بیش از آنکه کاربردی توأم با برنامه ریزی داشته باشند، متأثر از شرایط سیاسی امنیتی است؛ بنابراین آنچه همگرایی ملی را تحکیم می بخشد رویکرد سیستمی به توسعه است. استفاده از توان های محیطی با اعتلای اقتصاد ملی و مشارکت اقوام میسر می شود.
رفعیان و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان مرزی کردستان با تأکید بر شاخص های توسعه شهری با استفاده از	نتایج پژوهش آن ها نشان داد که که شهرستان سنندج (با امتیاز ۰/۹۸۹) در رتبه اول قرار دارد. به ترتیب شهرستان سقز (با امتیاز ۰/۱۶۵) در رتبه دوم، شهرستان بانه (با امتیاز ۰/۱۳۰۷) در رتبه سوم، شهرستان مریوان (با امتیاز ۰/۱۳۰۲) در رتبه چهارم، شهرستان قروه (با امتیاز ۰/۱۱۴) در رتبه پنجم، شهرستان بیجار (با امتیاز ۰/۰۸۸) در رتبه ششم، شهرستان کامیاران (با امتیاز ۰/۰۵۱) در رتبه هفتم، شهرستان دیواندره (با امتیاز ۰/۰۱۶) در رتبه هشتم، شهرستان دهگلان (با امتیاز ۰/۰۱۱) در رتبه

پژوهشگر (موضوع، سال)	موضوع	نتیجه‌گیری
	تلفیق تکنیک های AHP و TOPSIS	نهم و در نهایت شهرستان سروآباد (با امتیاز ۰.۰۰۶) در رتبه دهم قرار دارد.
سلیمی سبحان و همکاران (۱۳۹۵)	تحلیل عوامل مهم و موثر در برقراری واگرایی و همگرایی بین اقوام کرد	نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عواملی همچون سیاست‌های قومی، بروز خلاء قدرت در مرکز، اندرکنش نخبگان محلی و ملی و فراهم کردن بستر مناسب برای برقراری مشارکت سیاسی قوم‌ها و دخالت‌های خارجی در برقراری واگرایی و همگرایی قوم‌ها تاثیر گذار می‌باشد.
دریک (۲۰۱۹)	بررسی همگرایی ملی در اندونزی	نتایج پژوهش وی نشان داد که به تأثیرات نامساعد تجربیات تاریخی و سیاسی، ابعاد فرهنگ اجتماعی، ابعاد اثر متقابل، ابعاد اقتصادی، الگوهای فضایی، مسئولیت دولت در قبال تحقق همگرایی ملی و چشم‌انداز همگرایی ملی در اندونزی پرداخته شده‌است.
بلینوو پترسون (۲۰۱۹)	بررسی مدل‌های همگرایی ملی و امکان اجرائی تجربه‌های خارجی در روسیه	نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد مشکلات همگرایی ملی را ناشی از ناقص بودن فرایندهای ملت‌سازی و شکل‌گیری هویت ملی فدراسیون روسیه به منزله‌ی کشوری سیاسی می‌داند. تجزیه و تحلیل انتقادی از تجربه‌ی همگرایی ملی، ملت-سازی، شکل‌گیری هویت ملی و هم‌چنین شیوه‌های چندفرهنگی مربوط به همگرایی مهاجران به ایالات متحده و روسیه ارائه شده‌است.
نوردین و همکاران (۲۰۱۸)	همگرایی ملی محیط مدرسه چندفرهنگی در مالزی	آن‌ها نشان داد متغیرهای زمینه‌ای دانش‌آموزان و مدارس منتخب بر همگرایی زد، نظرسنجی انجام شده در مورد دانش‌آموزان با فرهنگ‌های متفاوت نشان داد که کپارچه نیست.
فولارین و همکاران ۲۰۱۶	تعدد فرهنگی، همگرایی ملی و معضل امنیتی در نیجریه"	نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که کشور نیجریه نیاز به تغییرات اساسی دستگاه امنیتی خود در داخل و اطراف مرزهای خود دارد، ضمن اینکه احتیاج است نگاهی عمیق تر به سیستم مهاجرت خود داشته باشد.
حسن کرامار (۲۰۱۶)	بررسی همگرایی منطقه- ای و توسعه اقتصادی در اتحادیه اروپا	نتایج پژوهش وی نشان داد ارتباط بین رشد ملی و نابرابری‌های منطقه‌ای در میان کشورهای عضو به برسی نقش توسعه اقتصادی در همگرایی منطقه‌ای در میان اعضای قدیم و جدید اتحادیه پرداخته‌اند همچنین میان سرعت رشد اقتصادی و شدت توسعه منطقه‌ای یک رابطه همبستگی مثبت وجود دارد.

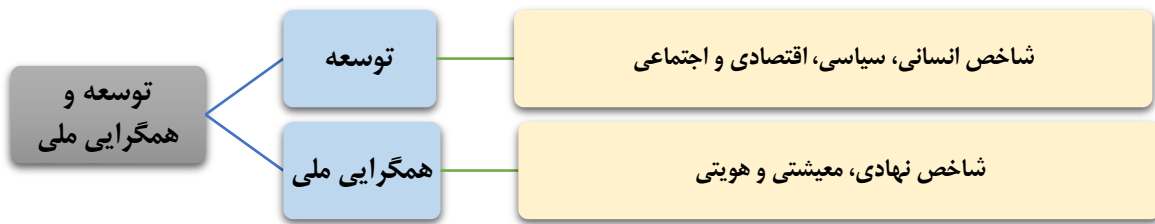
منبع: مطالعات نگارنده، ۱۴۰۰

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف‌گذاری کاربردی و از نظر روش‌شناسی به صورت توصیفی-تحلیلی است. در روند تهیه و تولید داده‌ها ابتدا عوامل مؤثر بر توسعه با تاکید بر همگرایی ملی در استان کردستان با استفاده از نظرات ۴۵ نفر از کارشناسان امور شهری و برنامه‌ریزی شهری از طریق روش دلفی شناسایی شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ۲ شاخص اصلی و ۷ زیر شاخص عامل به عنوان عوامل تاثیرگذار قوی بر توسعه با تاکید بر همگرایی ملی در استان کردستان از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به اختصار (SEM) و تحلیل مسیر بهره گرفته شده است.

## شاخص‌های پژوهش

در این تحقیق بر اساس مبانی نظری پژوهش تعداد ۲ معیار و ۷ زیر معیار شناسایی شدند که به صورت پرسشنامه دلفی تهیه شده و بر مبنای مقیاس ۷ گزینه‌ای لیکرت در اختیار متخصصان (اعضای پانل) قرار داده شد.

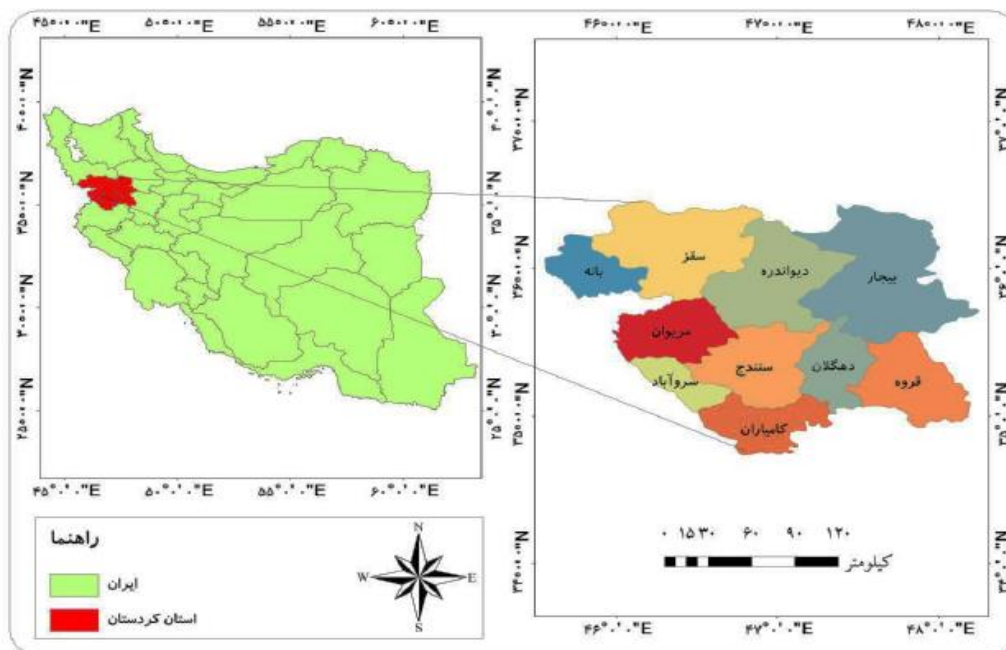


شکل ۴: شاخص ها و زیر شاخص های دست یابی به توسعه یافتگی با تاکید بر همگرایی ملی

### محدوده مورد مطالعه

استان کردستان در غرب کشور واقع شده است و مرکز آن شهر سنندج است. از نظر موقعیت جغرافیایی این استان بین ۴۵ دقیقه و ۳۴ درجه تا ۲۸ دقیقه و ۳۶ درجه عرض شمالی از خط استوا و ۳۴ دقیقه و ۴۵ درجه تا ۱۴ دقیقه و ۴۸ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد.

این استان از شمال به استان آذربایجان غربی و قسمتی از استان زنجان، از مشرق به استان همدان و قسمتی دیگری از استان زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از مغرب به کشور عراق محدود است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت استان کردستان ۱۶۰۳۰۰۷ نفر بوده است. که در نقشه ۱ موقعیت شهرستان های این استان را نشان داده است.



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

در حوزه مطالعات اجتماعی و اقتصادی روش‌های تحلیل چند متغیره زیادی وجود دارند که به بررسی اثرات و روابط بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازند. این روش‌ها عمدتاً اثرات مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهند. اما در این میان تحلیل مسیر<sup>۱</sup> از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را مد نظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۲۲).

تحلیل مسیر بیان می‌کند که کدام مسیر مهم‌تر و یا معنادارتر است. ضرایب مسیر بر اساس ضریب استاندارد شده رگرسیون محاسبه می‌شود. یک متغیر به صورت تابعی از دیگر متغیرها فرض می‌شود و مدل رگرسیونی آن ترسیم می‌شود. برای بدست آوردن برآوردهای ضرائب اصلی مسیر کافی است هر متغیر وابسته (درونزا) به متغیرهایی که مستقیماً تحت تأثیر آن است بازگشت داده شود. به بیان دیگر برای برآوردهای هر یک از مسیرهای مشخص شده، ضرائب استاندارد شده رگرسیون (یا ضرائب مسیر) محاسبه می‌شود. این ضرائب از طریق برقراری معادله‌های ساختاری یعنی معادله‌هایی که ساختار روابط مفروض در یک مدل را مشخص می‌سازد به دست می‌آیند. تحلیل مسیر صرفاً بر روی متغیرهای مشاهده شده قابل انجام است. در صورت نیاز با فرض وجود متغیرهای پنهان می‌توان از طریق دستور compute متغیرهای مشاهده شده را میانگین گرفته و در قالب یک متغیر مشاهده شده بیان کنیم.

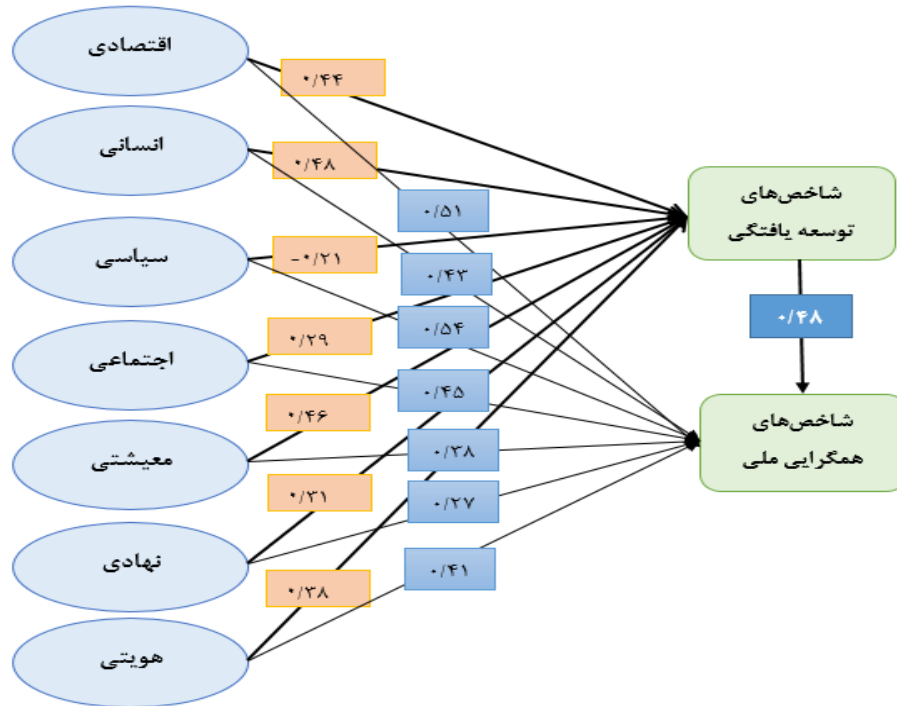
روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیر مستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر کند (آذر، ۱۳۸۱: ۵۹). همچنین تکنیک تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را نیز مد نظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند.

اهمیت و ارجحیت تحلیل مسیر در مقایسه با تحلیل همبستگی در این است که تحلیل مسیر امکان سنجش اثرات نسبی هر متغیر مقدم یا توضیحی بر متغیرهای بعدی یا وابسته را ابتدا از طریق مشخص کردن مفروضات مربوط به روابط علی و بعد از طریق تعیین اثرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل یا توضیحی فراهم می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

مدل علی حاصل از تحقیق در یک دیاگرام مسیر به نمایش درمی‌آید. دیاگرام مسیر برای بیان تصویری روابط بین متغیرهای مورد نظر در تحلیل مسیر بکار می‌رود (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۲۵). نمودار تحلیل تأثیرات علی مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در تحقیق حاضر، مطابق نمودار زیر گشته است.

شکل (۵)، نمودار مسیر مورد نظر برای آزمون فرضیه پژوهش است. این نمودار مسیر شامل روابط بین متغیرهای تحقیق است که تشکیل دهنده کلی تحقیق و مجموعه فرضیات آن است.

<sup>1</sup> - path analysis



شکل (۵): نمودار مسیر متشکل از معیارهای اصلی پژوهش (شاخص های توسعه یافتگی و همگرایی ملی) مأخذ: بر اساس یافته های پژوهش، ۱۴۰۰

پس از استخراج عوامل و معیارهای توسعه شهری و همگرایی ملی، آن دسته از متغیرهای مشاهده شده که به طور قابل توجهی متغیر نهانی خود را اندازه گیری نمی کردند، از تحلیل نهایی حذف شدند، با حذف این متغیرهای مشاهده شده کلیه شاخص های تناسب مدل در یک اندازه گیری، بهبود پیدا کرده و به اندازه گیری قابل قبول رسید. جدول (۳) شاخص های تناسب مدل را بین دو مدل اندازه گیری اولیه و اصلاح شده برای عوامل همگرایی ملی و جدول (۴) این مقایسه را برای عوامل و معیارهای استراتژی توسعه شهری نشان می دهد.

جدول (۳): مقایسه شاخص های تناسب مدل اندازه گیری اولیه و اصلاح شده برای توسعه یافتگی

SRMR	NNFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	Chi-Square	مدل
۰,۰۵۱	۰,۸۳	۰,۸۶	۰,۹۳	۰,۸۱	۰,۸۴	۱۴۴,۶۶	مدل اندازه گیری اولیه
۰,۰۴۴	۰,۹۳	۰,۹۱	۰,۹۶	۰,۹۲	۰,۸۹	۳۵,۳۲	مدل اندازه گیری اصلاح شده

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۰

جدول (۴): مقایسه شاخص های تناسب مدل اندازه گیری اولیه و اصلاح شده برای همگرایی ملی

SRMR	NNFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	Chi-Square	مدل
۰,۰۶۳	۰,۸۷	۰,۸۱	۰,۸۳	۰,۸۴	۰,۸۱	۱۸۷,۷۴	مدل اندازه گیری اولیه
۰,۰۳۹	۰,۹۴	۰,۹۴	۰,۹۲	۰,۸۹	۰,۹۲	۳۹,۰۲	مدل اندازه گیری اصلاح شده

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۰

زمانی مدل متناسب تر خواهد شد که میزان کای اسکوئر آن کاهش پیدا کند، شاخص‌های GFI, AGFI, CFI, NFI, NNFI به عدد ۱ نزدیک تر و میزان شاخص SRMR به صفر نزدیکتر شود. نتایج حاصله در جدول (و) نشان دهنده این واقعیت است که مدل اصلاح شده بهبود یافته مدل اندازه گیری اولیه است که همگی در سطح قابل قبولی هستند.

شکل (۵) نیز حالت اصلاح شده مدل‌های اندازه گیری را نشان می‌دهد. نحوه اصلاح مدل بدین شکل است که طبق پیشنهاد در مواردی که ضریب تعیین بین متغیر پنهان با متغیر مشاهده شده (در معادلات اندازه گیری) کمتر از ۰,۵۰ بود آن متغیر مشاهده شده را از مجموعه تحلیل حذف کردیم. با حذف این متغیرها هنوز کلیه شاخص‌های برازش کلی مدل بطور کامل بهبود پیدا نکردند

بنابراین مرز قابل قبول برای میزان ضریب تعیین را به ۰,۶۰ ارتقا دادیم و در مواردی که ضریب تعیین بین متغیر پنهان با متغیر مشاهده شده (در معادلات اندازه گیری) کمتر از ۰,۶۰ بود آن متغیر را از مجموعه تحلیل حذف کردیم. بدین ترتیب کلیه شاخص‌های مدل به حد قابل قبول رسید که نتایج آن در جدول (۳) و (۴) و شکل (۵) منعکس شده است. شاخص‌های برازندگی برای مدل فوق به شرح زیر است:

$$\text{Chi-Square} = 31.15 \quad \text{GFI} = 0.87 \quad \text{CFI} = 0.91 \quad \text{NFI} = 0.86 \quad \text{NNFI} = 0.91 \quad \text{IFI} = 0.85 \\ \text{SRMR} = 0.05 \quad \text{RMR} = 0.14$$

شاخص‌های فوق نشان دهنده برازندگی و تناسب بسیار بالای مدل می‌باشد. به عبارتی مدل نظری تحقیق تأیید می‌شود. از آنجایی که این مدل توسط شاخص‌های برازندگی تأیید شد، بنابراین می‌توان از آن برای ارزیابی اثرات متغیرها استفاده کرد.

جدول (۵): نتایج حاصل از اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر
اقتصادی	توسعه یافتگی	۰,۴۴
	همگرایی ملی	۰,۵۱
انسانی	توسعه یافتگی	۰,۴۸
	همگرایی ملی	۰,۴۳
سیاسی	توسعه یافتگی	-۰,۲۱
	همگرایی ملی	۰,۵۴
اجتماعی	توسعه یافتگی	۰,۲۹
	همگرایی ملی	۰,۴۵
معیشتی	توسعه یافتگی	۰,۴۶
	همگرایی ملی	۰,۳۸
نهادی	توسعه یافتگی	۰,۳۱
	همگرایی ملی	۰,۲۷
هویتی	توسعه یافتگی	۰,۳۸
	همگرایی ملی	۰,۴۱

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۰.

بدین ترتیب بین تحقق توسعه یافتگی و اثرگذاری آن بر روی همگرایی ملی با ضریب مسیر ۰,۴۸ رابطه مؤثری وجود دارد بدین معنی مؤلفه‌ها و معیارهای توسعه یافتگی ۰,۴۸ درصد موفقیت استراتژی توسعه یافتگی را تبیین می‌کند. از طرف دیگر بین (شاخص‌های توسعه انسانی با ضریب مسیر ۰,۹۱) با تحقق توسعه یافتگی رابطه علی

قوی وجود دارد یعنی دسترسی به شاخص های توسعه انسانی تعیین کننده توسعه یافتگی می باشد، ولی بین عوامل دسترسی توسعه سیاسی (با ضریب مسیر ۰,۲۱-) با موفقیت توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان رابطه علی وجود ندارد و این بدین معنی است که عوامل دسترسی توسعه سیاسی به واسطه تأثیری که بر تحقق توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان می گذارد می تواند عاملی تعیین کننده در موفقیت توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان تلقی گردد. در مجموع چنین می توان گفت که توسعه یافتگی شهرستان ها بر معیارهای همگرایی ملی اثرگذار است. که نتایج آن در جدول (۵) نشان داده شده است.

## نتیجه گیری

موضوع همگرایی ملی، یک مساله ی چند وجهی است که بستر اقتصادی و درهم تنیدگی ارتباطات اقتصادی یکی از مهم ترین علل تحقق آن است. بدیهی است که ایجاد بستر اقتصادی از کارکردهای اصلی هر حکومتی است و اگر این مهم یعنی توجه کافی به شاخص های توسعه یافتگی براساس مزیت نسبی مناطق و نیازمندی شبکه ای اقتصادی مناطق مختلف صورت بگیرد، همگرایی ملی در مقابل واگرایی بازخورد طبیعی آن خواهد بود.

پژوهش حاضر از نظر تحقیقات توسعه ای قلمداد می شود؛ زیرا به دنبال طراحی معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی است. همچنین از نظر هدف انجام، جزو تحقیقات کاربردی قلمداد می شود. بدین منظور در ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوری تحقیق مؤلفه های اصلی و فرعی مؤثر بر توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان با تاکید بر همگرایی ملی در قالب پرسشنامه دلفی تهیه و تدوین شد. سپس این شاخص ها به وسیله اعضای پانل دلفی مورد بررسی قرار گرفتند. این اعضا شامل ۴۵ نفر از کارشناسان امور شهری است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ۴ عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار قوی بر توسعه یافتگی و ۳ عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار بر همگرایی ملی شهرستان های استان کردستان از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری به اختصار (SEM) و تحلیل مسیر بهره گرفته شده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که بین شاخص های توسعه یافتگی و همگرایی ملی رابطه مستقیم و دوسویه وجود دارد همچنین توجه به شاخص های توسعه یافتگی با تاکید بر همگرایی ملی براساس برنامه ریزی بلند مدت و توجه به آمایش سرزمین موجب می شود تا مزیت های نسبی هر شهرستان توسعه و پیشرفت متناسب با خود را به ارمغان بیاورد و شهرستان ها به لحاظ رفع نیازمندی های خود به یکدیگر وابسته شوند. که این امر افزایش همگرایی معیشتی را موجب خواهد شد.

برای آزمون فرضیه معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده گردید. بدین ترتیب که بین تحقق توسعه یافتگی و اثرگذاری آن بر روی همگرایی ملی با ضریب مسیر ۰,۴۸ رابطه مؤثری وجود دارد بدین معنی مؤلفه ها و معیارهای توسعه یافتگی ۰,۴۸ درصد موفقیت استراتژی توسعه یافتگی را تبیین می کند. از طرف دیگر بین (شاخص های توسعه انسانی با ضریب مسیر ۰,۹۱) با تحقق توسعه یافتگی رابطه علی قوی وجود دارد یعنی دسترسی به شاخص های توسعه انسانی تعیین کننده توسعه یافتگی می باشد، ولی بین عوامل دسترسی توسعه سیاسی (با ضریب مسیر ۰,۲۱-) با موفقیت توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان رابطه علی وجود ندارد و این بدین معنی است که عوامل دسترسی توسعه سیاسی به واسطه تأثیری که بر تحقق توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان می گذارد می تواند عاملی تعیین کننده در موفقیت توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان تلقی گردد. در مجموع چنین می توان گفت که توسعه یافتگی شهرستان ها بر معیارهای همگرایی ملی اثرگذار است.

## منابع و مأخذ

- ابراهیم‌زاده، ع؛ رئیس‌پور، ک (۱۳۹۰)، بررسی روند تغییرات درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴، صص ۷۶-۵۱.
- احمدی، عاطفه؛ امانپور، سعید؛ رحیمی، سمانه (۱۳۹۱)، تحلیل قابلیت‌های توسعه شهرستان‌های مرزی استان کردستان در جهت توسعه همکاری‌های بین‌مرزی با کشورهای همسایه، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، سیستان و بلوچستان، صص ۸۹-۸۳.
- احمدی، عباس، (۱۳۸۱)، بررسی هیدروپلیتیک هیرومنند، مجله آموزش جغرافیا، صص ۵۴-۴۸.
- آذر، عادل (۱۳۸۱)، تحلیل مسیر و علت‌یابی در علم مدیریت، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- امان‌اله، پور، انور (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل میزان توسعه‌یافتگی و نابرابری فضایی در کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر حسین نظم‌فر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اردبیل.
- بابایی اقدم، فریدون؛ ویسی ناب، فتح‌الله؛ علی‌پور، خالد (۱۳۹۵)، سطح بندی و تحلیل تطبیقی درجه توسعه‌یافتگی مورد شناسی: شهرستان‌های استان کرمانشاه، فصلنامه جغرافیا و آمایش منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۱، پیاپی ۹۵-۱۱۲.
- بهرامی پاوه، رحمت‌الله (۱۳۹۷)، تحلیلی بر روند پارادایم توسعه‌یافتگی و تأثیر آن بر همگرایی ملی در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۹۷-۴۷۸.
- جعفری، محمد (۱۳۹۸)، تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی در مناطق مرزی، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۲۰، شماره ۴ (پیاپی ۸۰)، صص ۴۹-۲۵.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خاکپور، براتعلی؛ محمودی، چنور؛ داوری، سیده الهام؛ اکبری، مجید (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های کرمانشاه با استفاده از تکنیک ادغام، جغرافیا و توسعه، دوره ۱۷، شماره ۵۶، صص ۹۰-۷۳.
- دوئرتی و فالترگراف (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد اول، نشر قومس.
- رفیعیان، مجتبی؛ پیری، اسماعیل، کریمی، آرام، حیدری، سامان (۱۳۹۶)، تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مرزی کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه شهری با استفاده از تلفیق تکنیک‌های AHP و TOPSIS، مطالعات محیطی هفت حصار، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۶-۵.
- سپهردوست، حمید (۱۳۸۸)، بررسی عملکرد دولت در توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای استان همدان، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، سال ۱۲.
- سلیمی سبحان، محمدرضا، حیدری؛ جهانگیر، نیکجو، ایرج (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل تاریخی عوامل موثر بر همگرایی و واگرایی اقوام ایرانی (نمونه پژوهی: قوم کرد)، مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۹۸-۷۵.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۶)، مطالعه روند تغییرات سطوح صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۳، صص ۶۲-۷۴.
- طیبنیا، سیدهدای؛ فتاحی، رزگار (۱۳۹۸)، تحلیل و سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، فصلنامه مهندسی جغرافیای سرزمین، دوره ۳، شماره ۶، پیاپی ۶، صفحه ۲۹-۱۷.

عباسی، ابراهیم؛ علیمردانی، یوسف (۱۳۹۳). بانک توسعه اسلامی و همگرایی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات سیاسی

قیصری، نورالله؛ حسینی، سید مهدی (۱۳۹۲)، ابعاد و شاخص های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۷۱.

کاویانی راد، مراد؛ ایرانی هریس، صیاد؛ بی نیاز، محمد (۱۳۹۹)، سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان و ارتباط آن با مخاطرات انسانی، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال اول، شماره ۴، پیاپی ۴، صص ۶۷-۵۱.

کاویانی راد، مراد؛ فتاحی، مصطفی (۱۳۹۱). تأثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره شانزدهم، شماره ۱، صص ۴۵-۲۱.

محمد رحیمی، معصومه؛ میرکوشش، امیر هوشنگ؛ اشرفی، احمد (۱۳۹۹)، بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران؛ مورد مطالعه: قوم ترکمن، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۳۶-۱۵.

محمدی، یدالله، (۱۳۷۰)، همگرایی و سیر تطور و تکامل آن، فصلنامه مصباح، سال اول، شماره ۱، صص ۷۳-۵۸.

مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.

مهدوی، محمدصادق؛ رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم.

Bellino, M. J. & Dryden-Peterson, S (2019); "Inclusion and exclusion within a policy of national integration: refugee education in Kenya's Kakuma Refugee Camp", *British Journal of Sociology of Education*, 40(2), Pp. 222-238.

Drake, C (2019); *National integration in Indonesia: Patterns and policies*, University of Hawaii Press.

Folarin, S. F., Olanrewaju, I. P., & Ajayi, M. L. Y. (2016). "Cultural Plurality, National Integration and the Security Dilemma in Nigeria". *Covenant University Journal of Politics and International Affairs*, 2(1).

Hans Kramar, (2016), "Regional convergence and economic development in the EU: the relation between national growth and regional disparities within the old and the new member states", Vienna University of Technology: Department of Spatial Planning Karlsplatz, 13 / 1040 Vienna / Austria.

Kaya, S. Curran, P.J. (2006) Monitoring urban growth on the European side of the Istanbul metropolitan area. *International journal of applied earth observation and geoinformation*, No 8, pp18-25.

Kirk patrik, colin et al (2001). Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development institute for development policy.

Liu. C. xu. m., Chen. s. an. Jm., Yan. pl. (2007). "Assessing the impact of Urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China." *Journal of Environmental Management*, 85(3), Pp.597-606.

Nordin, A. B. Alias, N. & Siraj, S (2018); "National integration in multicultural school setting in alaysia", *MOJES: Malaysian Online Journal of Educational Sciences*, 1(1), Pp.20-29.

Norton, William (2017). *Cultural Geography: Themes, Concepts, Analyses*, Second edition, Don Mills, Ontario: Oxford University Press, 2006.